

THE UNIVERSITY OF CHICAGO

LIBRARY



THE UNIVERSITY OF CHICAGO

LIBRARY

CHECKED

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترجمی و ابوداد و از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله
 روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
 و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل بگرداند یعنی از جور پر شده بود و لک و او را از علی رضی الله عنه
 روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود
 صلی الله علیه و آله از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام من باشد و نام من باشد مثل من باشد آنحضرت را در حق
 نه در خلق ابوداد و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله آورده و حضرت مهدی کاشانه
 بلند و باریک بینی و ابوداد و از اسم سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که با دشمنی
 از زمان مردی از اهل بدین براید و بسوی من که گنجه رود او را مردم برای خلافت برانند و او کاره باشد
 و در میان هر کجی مقام باو هیچیت کنند پس لشکری از طوفان شام بروی من ستاده شود پس آن لشکر
 در میان من و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و حصان از عراق آمده باو هیچیت کنند
 پس مردی نویش براید که احوال او از منی کلب باشند مهدی و وی لشکر فرستد و غلبه شوند
 و مهدی بیست و پنج صدها علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و
 کند پست برود و مسلمانان وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله
 این را از عدل بگرداند اهل آسمان زمین را و رضی باشند آسمان را بر زمین و زمین را بر رویانیدن
 نمی کنند مردم آرزو کنند و گویند درین وقت اگر مردگان هم زنده بودند می خوش آسایش کردند می شد
 و همچنین که در آخر زمان طیفه باشد که مال را با ائمه قسمت کنند هر وقت و مسلم از انبیاء هر چه است کرده از آنحضرت
 صلی الله علیه و آله که قیامت قائم نشود تا که اهل آسمان بسیار شود و حکیم مرد زنده بر او نیاید کسی که قبول زکوٰه کند
 نوع دوم در عتبات کبری سلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله اول ایا
 طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض فاست جاست هر یکی که از اینها باشد دوم
 قریب آن ظاهر شود و قال الله تعالی وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ جَاءَ الْهَمْدُ دَابَّةٌ
 مِنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترجمی و ابوداد و از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله
 روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
 و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل بگرداند یعنی از جور پر شده بود و لک و او را از علی رضی الله عنه
 روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود
 صلی الله علیه و آله از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام من باشد و نام من باشد مثل من باشد آنحضرت را در حق
 نه در خلق ابوداد و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله آورده و حضرت مهدی کاشانه
 بلند و باریک بینی و ابوداد و از اسم سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که با دشمنی
 از زمان مردی از اهل بدین براید و بسوی من که گنجه رود او را مردم برای خلافت برانند و او کاره باشد
 و در میان هر کجی مقام باو هیچیت کنند پس لشکری از طوفان شام بروی من ستاده شود پس آن لشکر
 در میان من و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و حصان از عراق آمده باو هیچیت کنند
 پس مردی نویش براید که احوال او از منی کلب باشند مهدی و وی لشکر فرستد و غلبه شوند
 و مهدی بیست و پنج صدها علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و
 کند پست برود و مسلمانان وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله
 این را از عدل بگرداند اهل آسمان زمین را و رضی باشند آسمان را بر زمین و زمین را بر رویانیدن
 نمی کنند مردم آرزو کنند و گویند درین وقت اگر مردگان هم زنده بودند می خوش آسایش کردند می شد
 و همچنین که در آخر زمان طیفه باشد که مال را با ائمه قسمت کنند هر وقت و مسلم از انبیاء هر چه است کرده از آنحضرت
 صلی الله علیه و آله که قیامت قائم نشود تا که اهل آسمان بسیار شود و حکیم مرد زنده بر او نیاید کسی که قبول زکوٰه کند
 نوع دوم در عتبات کبری سلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله اول ایا
 طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض فاست جاست هر یکی که از اینها باشد دوم
 قریب آن ظاهر شود و قال الله تعالی وَاِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ جَاءَ الْهَمْدُ دَابَّةٌ
 مِنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک و بعد خارج کنیم بر
مردم و ابله الارض سخن گوید با مردم آنکه مردم بآیات یاقین نمیداشتمند و در قرآنی غیر متواتر تکلم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را بر آیه آنکه بآیات خدا یقین نداشتند
ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند و در روایات احادیث
اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لمحیه و سائر بدن
مثل برنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در که از کوه صفا براید ابن عباس درج بر
کوه صفا عصا کوفت و گفت که دایه الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
عبدالله بن عمر گفته که سر او بابر برده ... و نیز در زمین باشد و بقوی از این شرح انصاری از
انحضرت صلی الله علیه و سلم روایت
و در که ذکر او رسد تا ...
و در که ذکر او رسد تا ...
آمده که با وی حصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی پیشانی موسی نکتہ سفید نهد و لفظ
نوشته شود و تمام روی او روشن شود و مثل گوشت در خشان کافر را نکتہ سیاه خاتم سلیمان پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن نام بنشانند و در بازار بگویند ای یهودی و نصاری
میدهی و در بعضی روایات آمده که خروج دایه الارض مخصوص عیسی باشد عیسی مسلمانان در بطوان باشند
که زمین ببرز و صفا شکافته شود و او براید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دایه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دایه الارض از هر صفتی که بخواهی بگویند
است قاتم نشود و تا که سیاه با آدمیان سخن گویند و ...
تا زیاده و سران سل حمام ...
اسد غفاری از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قاتم نشود قیامت تا که چیزی پیش از آن

بگویند رآیند دخان و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب نزول عیسی علیه السلام و یا جرج و یا جوج
 و خست یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیره عربت و آخر همه آتشی از زمین آید که مردم را بسوی محشر
 یعنی زمین شام و در روایتی دهم بادی تند و زور که مردم را در ویرا افکند و سلم از الی و از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و دجال و دابة الارض هرگاه ظاهر شود بعد از آن همان کافران
 و توبه مقبول نباشد و بقوی و خیره از حد یقه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علامات
 قیامت اول دخان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از فراغدن که مردم را بسوی محشر
 خدایه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این آیه خواند **فَاذْ تَقُبُّ بَیْرُ مَرْتَأَتِی**
السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ یَغْشَى النَّاسَ هَذَا آیَةُ الْیَوْمِ مودود دخان از مشرق
 تا مغرب درگیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت سستی
 روی و دماغ بینی و گوش و دبر و دخان برآید و این سجود و انقیاد و انکار کرد و در صحیح بخاری است که این
 گفته که عمار قریشی از آنحضرت کمال بدی کرد و آن حضرت دعا کرد و قوی محمدی شد که مردم آنجا را غارت
 و از شدت گرسنگی آنها را از زمین آسپان و خان غنطری می آید لیکن ولایت حدیفه و غیره معلوم میشود
 و خان هم از علامات قیامت باشد و **قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری**
فصل قشده دجال از رسول صلی الله علیه و سلم و صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد و در
 بعضی روایات چشم چپ و در میان چپ و چشم او کافر قوم باشد هر کس از مسلمانان خواند که
 باشد یا نباشد جوان باشد و زواید و مومنان از میان عراق و شام بیرون آید و هفتاد هزار کس از یهود
 اصفهان با و بیست و هشتاد هزار کس و چهل روز باشد یک روز برابر سال و روز دوم برابر ماه و روز
 برابر هفته و دیگر ایام مانند سایر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال باشد یا نه
 کفایت کند فرمود نه اندازده کرده میخواند باشد و پیش پاوتند در زمین سیم نه چو جاعتی آید که زمین
 پر و در کار شام با من ایمن آید آنها ایسان آرد
 زراعت پیدا شود و مویشی انجمه فریب و شیر دار شود و بر قومی دیگر گذرد آنها را همچنان گوید

بیشتر
 بیشترین
 بخار و آسمان
 و در دماغ هر کس
 نزدیک و دور
 باین عذاب
 رسیده است
 و در این
 است عبدالله
 بن عباس
 عبدالله بن عمر
 و حسن بصری
 یعنی الله تعالی
 غنیمت
 که می بیند
 چهل روزند

نیز جزیره دریای شام یا دریای مین و دخول مکہ و مدینه و جبال رامیر نه شود
فصل در بیان بی بره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد
آید عیسی در مکه حاکم عادلان شکنده صلیب را که نصار آزادی پرستند و بکشند و خاک را یعنی
حرام نه غزوان آن موافق شریع محمدی در جزیره نهد بر نصار و بگوید کفار از اینجا معلوم شود که
نصارا بر کفر خود باشند و عیسی گردیده و نشوند و در اینجا عیسی می کند تا آنکه کسی قبول نکند و
با عیسی نه مردم بهتر باشد از دنیا و از آنکه شتر ماده جهان را گذاشته شود
و عیسی بکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم این را می گوید که چون عیسی نازل شود آخرین وقت بگوید که شما
امست کنید و نماز اگر چه بخواهید بکنید اما این امت را من امت و این جزوی از
عبد الله است که در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند
من در قبر من دفن کرده شود و در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند
قیامت در میان بی بره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی در مکه حاکم عادلان شکنده صلیب را که نصار آزادی پرستند و بکشند و خاک را یعنی
حرام نه غزوان آن موافق شریع محمدی در جزیره نهد بر نصار و بگوید کفار از اینجا معلوم شود که
نصارا بر کفر خود باشند و عیسی گردیده و نشوند و در اینجا عیسی می کند تا آنکه کسی قبول نکند و
با عیسی نه مردم بهتر باشد از دنیا و از آنکه شتر ماده جهان را گذاشته شود
و عیسی بکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم این را می گوید که چون عیسی نازل شود آخرین وقت بگوید که شما
امست کنید و نماز اگر چه بخواهید بکنید اما این امت را من امت و این جزوی از
عبد الله است که در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند
من در قبر من دفن کرده شود و در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند

در جزیره دریای شام یا دریای مین و دخول مکہ و مدینه و جبال رامیر نه شود
فصل در بیان بی بره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که فرد
آید عیسی در مکه حاکم عادلان شکنده صلیب را که نصار آزادی پرستند و بکشند و خاک را یعنی
حرام نه غزوان آن موافق شریع محمدی در جزیره نهد بر نصار و بگوید کفار از اینجا معلوم شود که
نصارا بر کفر خود باشند و عیسی گردیده و نشوند و در اینجا عیسی می کند تا آنکه کسی قبول نکند و
با عیسی نه مردم بهتر باشد از دنیا و از آنکه شتر ماده جهان را گذاشته شود
و عیسی بکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم این را می گوید که چون عیسی نازل شود آخرین وقت بگوید که شما
امست کنید و نماز اگر چه بخواهید بکنید اما این امت را من امت و این جزوی از
عبد الله است که در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند
من در قبر من دفن کرده شود و در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند
قیامت در میان بی بره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی در مکه حاکم عادلان شکنده صلیب را که نصار آزادی پرستند و بکشند و خاک را یعنی
حرام نه غزوان آن موافق شریع محمدی در جزیره نهد بر نصار و بگوید کفار از اینجا معلوم شود که
نصارا بر کفر خود باشند و عیسی گردیده و نشوند و در اینجا عیسی می کند تا آنکه کسی قبول نکند و
با عیسی نه مردم بهتر باشد از دنیا و از آنکه شتر ماده جهان را گذاشته شود
و عیسی بکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم این را می گوید که چون عیسی نازل شود آخرین وقت بگوید که شما
امست کنید و نماز اگر چه بخواهید بکنید اما این امت را من امت و این جزوی از
عبد الله است که در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند
من در قبر من دفن کرده شود و در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند

از آنکه شتر ماده جهان را گذاشته شود
و عیسی بکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم این را می گوید که چون عیسی نازل شود آخرین وقت بگوید که شما
امست کنید و نماز اگر چه بخواهید بکنید اما این امت را من امت و این جزوی از
عبد الله است که در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند
من در قبر من دفن کرده شود و در آن وقت که عیسی نازل شود و نکاح کند

فصل در گوشت چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر آید تا غالب باشد و بجز غمیر را در روز حوض نباشد
هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از این علامت امت خود را بشناسد و سید المرسلین علیهم السلام
سلم را حوضی باشد بنام کوثر یعنی کثیر طول و عرض آن یک ماه راه یا شش آب آن کفیه تراشیده
شیرین تر از عسل سرد تر از برف و خوشتر از مشک در آن آب کف ده تا باشند مانند ستارگان
زمین و از نیا قوت و مرجان و زرد باشد و در آن در میز آب این شست افشند و فصل در حوض
آن رسول صلی الله علیه و سلم آن با سبزه در روشن باشد و حوضی در حوضی و حوضی در حوضی
رضی الله عنه ساقی باشد هر که از آن آب داد و آن کس را که بگوید که در و
بر حوض بعد از گشتن از حوض او باشد و بعضی میگویند که در حوضی در حوضی در حوضی
بر خاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب خاصه آب داده شود و بعد خلاصی از دوزخ
پیش از دخول جنت داده شود تشنگی بر آید و حوضی در حوضی در حوضی در حوضی
آب کوثر نصیب نیست علماء گفته اند که اهل این یعنی روان فیض و خوار و معتزله و مانند شان
نیز از آب کوثر محبت خود را میباشند و اهل کبار را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد
فصل چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار فرشته
وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلایق باشد و حوضی در حوضی در حوضی در حوضی
بر زانو افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید
أَقْبَلِيَايَ مِنْ أَمْتِكَ لَأَخُوكَ عِيَاكُمُوهَا كَمَا هِيَ كَحَبْرٍ قَدِيمٍ سر خواهیم کرد چشم ترا در حق آن
یا محمد و آفتاب دیک شود در آن بر تو بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود مردم و عرق
غرق شوند بقدر گناه آن شان بعضی تا شش انگشت و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علماء گفته اند
که بعضی از خلایق آن روز است که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه
باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حکام و در رحم بر ضعیفان ترسیدن از خدا
و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصانه و حبس غلظت رحم و مانند آن سایه عرض خدا باشد

سایه دوزخیان
من از امت تو
نزد رسول است
این کس است
از امت تو
اندک میگویند

[illegible]

[illegible]

بخدا از راه چهل مغفالت بستر گفته شود که هر کس که با خدا دیگر را پرستش کرده است با معبود خود شود و آفتاب
 بی روی آفتاب آتش پرستان بی روی آتش میت پرستان بی روی بتان کنند و آنها را معبود
 خود داخل دوزخ گردانند و گویند لَوْ كَانَ هُوَ اللَّهُ مَا كُنْتُمْ مَعْبُودِينَ و هَا كَيْفَ عَنِ الْإِلهِ الْمَعْبُودِينَ
 داخل دوزخ نشدی بستر جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیاء را مکتوبیت میکنند
 در صفات الهی بر اه چهل فرستند چنانچه چهار یونان بستر قسم خامس سادسین بود و نصاری با
 در مشرکانه لب باشند گفته شود و چه حال دارند گویند تشنه لبیم ما را آب میدهد گفته شود و بر
 و اشاره کرده شود به دوزخ و دوزخ بصورت سرب آنها را بنظر آید و آن فرستند و بر دوزخ
 که چون عابدان بی روی معبودان کنند کینه فرشته بصورت عیسی بی روی نصاری و دیگر فرشته
 عذوبه برای بی روی عذاب شود و آنها بی روی او کنند و آنها را به دوزخ رسانند فقیر گویند ظاهر از بی روی
 نصاری کسیکه پرستش عیسی عزیر کرده و در فرق را به داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی عزیر را
 رسول دانستند و پرستش آنها کردند و سبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم کافر شدند آنها
 در فرق خامسه سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان در میان ایشان منافقان باشند
 حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم بی روی معبودان خج در دند شما هم بی روی معبود خود کنید آنها گویند
 و الله که ما سولے خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی گوید که من پروردگار شما ام گویند
 که مستظلم ما که حق تعالی را بعلما که می شناسیم بهیمه ازمان حق تعالی تکی کند بهیچ که از ان تعبیر فرمود
 يَوْمَ يَكْفُتُ عَنْ سَاقٍ وَيَدْعُ عَنِ الْسَّجْدِ و حکم کرده شود سجد و مومنان مخلص سجد و در
 و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجد نتوانند کرد و در دوزخ
 انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمالشان را در میزان عدل سنجیده
 اول سوال کرده شود از خونریزها مقتول گوید بار بار باین پرس که مرا چرک شسته حق تعالی بپر
 حال انکار و تارتست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مرتزا باشد حق تعالی فر
 راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و بهشت
 سجد

در حق کتبت انبیا
 از ساق و خندان
 شوند بسبب
 سجد

دیگر قاتل گوشت هم اورا تا که عزت مر باشد حق تعالی فرماید جلاک شندی تو فرستاده شود بدو زنجیر پست در
 دیگر مظلوم حکم بوجوه کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
 آب جدا کن سوال کرده شوند مردم از صحت بدن سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شود
 از علم که بران عمل کردند بانه و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم علم را پوشیده ندارید خیانت و علم سخت ترست
 از خیانت در مال حق تعالی از ان سوال خواهد کرد فرموده که مرد را جابه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
 کرده خواهد شد و از ان عاج و از اموال و امالیک چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
 و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر در آن نقصان باشد بود و فرائض را بنوافل چه نقصان
 کرده خواهد شد پست و زکات پست و دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول
 در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امانت کند قومی را باید که از خدا ترسد و بداند که امانت است اگر بخوبی امانت کرد
 او را ثواب باشد مثل ثواب حج تمتعه یا ن هر چه نقصان کند برگردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
 از بار چه که بدان ستم و عورت کند و از بار چه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدر یک اگر می فری بپایه
 و سوال کرده خواهد شد از آنکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
 خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از آباء و اجداد
 و قاضیان حاکمان سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت از زنان که دل
 و اولادشو هر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
 فرشتگان را از ان گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین را و غیره شهادت دهند گان را
 فراموش سازد و اگر مسلمانی را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پای او خلد و او را موجب اجر داند و صبر
 کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از چیز گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
 اگر از حقوق الله چیزی بر ذمه او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد غضاب کند و اگر خواهد بخشید و عیب
 احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
 از خود نزدیک کند و بگوید نامه اعمال خود بخوان چون بر حسن آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

۲
 مالک حج
 مالک غنای

و آنچه در حدیث ابی ذر آمده که صغائر ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
 سغایش آن باشد که عوض صغائر ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزرگتر از تخفیف کس
 کبیره صادر شود و آنرا پوشیده دارد و بخشد و آنچه از حقوق عباد اگر بزرگتر کسی باشد هرگز بخشیده
 بلکه حسنات مدیون بدائن ظالم معلوم می نمایند و اگر حسنات او تمام شود و دیون حقوق و
 بروی باقی مانند سیات و ائمان و مظلومان بر مدیون و ظالم ننهد و ای را بدو نفع فرستاده شود
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نباشد که میری و دین کسی بر تن باشد و آخرت درم و دنیا را
 و عوض دیون حساب داده شود و بیایست سخی ننهد شود و میگوید که اگر در راه خدا کشته شود
 و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامر حال
 گنا مان به باشد یکی بایت شرک هرگز بخشیده نشود و میگوید بایت حقوق الله حق تعالی در
 بخشیدن حق خود پاک ندارد و ستون ظلم عباد در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفسد
 که نماز و روزه و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و
 دیگر را خون ریخته و دیگر بر زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
 هیچ نماند گنا مان مظلومان بروی ننهد و او را بدو نفع انداخته شود ولیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
 خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان را می و داند رسول فرمود صلی الله علیه
 سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
 در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیات کند و همداگر دین بر او سرانجام خود کرده باشد
 البته ما خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جاد یا برای تقف در نکاح یا برای تکفین
 مرده فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت او ادا در حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
 تفصل کند مظلومان را با نعامات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود به بهشت برند
فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغير حساب به بهشت داخل کند و ایشان را از
 حساب معز دارد و در صحیحین اینها بر عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرده

بر من استماعی انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکدموسن است و با بعضی دوم و با بعضی گشتی
 و با بعضی جماعتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر پنجین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
 امت تست با اینها بنقاد و هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم آنها کسانی که افسون نکنند و وانگ نکنند و تطهیر نکنند و بر خدا توکل نکنند عکاشه
 رضی الله عنه گفت من هم از اینها بودم با ششم فرمود باشی مروی دیگر گفت من هم با ششم فرمود
 عکاشه سبقت کرد و پنجین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که در این عکاشه است هر روز که من بقاء کس
 از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس بنقاد و هزار کس باشند و سه عقیبات از
 حشیات پروردگار روحی خیزی را گویند که در دو رکعت شصت آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد امام محمد
 و غیره آمده که بنقاد و هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند زویشانیانند ماه شنبه از دهم باشند
 زیاد طلب کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی بابر کس از آن بنقاد و هزار کس بنقاد و هزار کس
 آمده کسانی که حمد خدا کنند در راحت و در غم داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شصت و پنج سال
 داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابان
 داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانی که کسی بر آنها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
 بدی کند ایشان بخشایند و کسی با ایشان چل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنها
 که بطاعت خدا و از حصیت صبر کنند و متحابان فی الله آنها که برای خدا با همه دوستی کنند
 و بی عداوت و دنیا و ملاقات نمایند و در احادیث آمده بر که در پنج مصیبتها صبر کنند و بر که
 در حج و عمره میرود و اهل عرفان و احسان طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و از کثرت
 با والدین و کسی که از فقر جامه مکر ندارد و طعام و قسم نتواند خورد و شراب و قسم ندارد و کسی که
 بدنیار غیبت ندارد و کسی که از خوف خدا بگریزد بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصیبهایی از ایشان
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون نزد آنها قائم شوند اهل نماز و اهل روز

و اهل حج را ثواب داده شود و میز آنها و ابله آورد و شوند میزان برای شان نهاده شود و نه
 و قرا عمل برای آنها کشاوه شود و رخته شود بر آنها ثواب بغیر حساب تا آنکه ابل عافیت نمکند
 آنکه بدنه ای شان در دنیا بقراضه باریده شد حق تعالی بفرماید **لَا تُلَاقُوا فِي الْقَبْرِ** و چون آید
 بغیر حساب یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بغیر حساب بپسند
 کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن بسوی بهشت شود و مومنان را حق تعالی موافق عمل
 شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرم و کمترین نور کسی
 باشد که نور او در روزگشت باقی او باشد گاهی نور شود و گاهی پوشیده و کافران منافقان
 نور نباشد قال الله تعالی **وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نَصْرًا فَمَا لَهُ مِنْ شَيْءٍ** و در بعضی احادیث
 آمده که منافقان با هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط مستقیم شود و منافقان مومنان را بگویند که
 نظر کنید بجا هم از نور شمار و شنی گیریم مومنان گویند **جَعَلُوا دَعْوَانَا كَمَا قَالَ قُلُوبُهُمْ** یعنی
 باز گردید پس بهشت خود جای آنکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه
 دنیا را دید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از ان است آنگاه مومنان را دیواری
 مثل دیوار قلعه پیش آید در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون
 باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب و دوزخ منافقان
 مومنان را آواز دهند آیا ما بشما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما ما را بودید لیکن
 نفس خود را فرستند یعنی کفر و مصیبت انداختند که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمودند
 ظاهرا در آیات و احادیث که ولایت دارند بر نبودن نور منافقان را و نور منافقان را که گمانند
 که در باطن کفر دارند و بنابر تفسیر و استهرا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور
 است و ایمان قلب تعلق دارد و در احادیث که دارد شده که منافقان را نور منطفی شود
 مراد از اصحاب توحید از فرقه های مبتدعه باشد و رافضی و خوارج و معتزله و مانند شان که
 نور ایمان آنها از او بدعت منطفی شود فاما آنکه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود و نور تمام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کاف
خواند روز حجه او را از زیر قدم تا آسمان نور باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده هر که گنبد در بازار را از هر سو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سخنی از مسلمانان دور کند از او مشعلی باشد از نور بر صراط که از آن روشنی پذیرد عالمی که احاطه
نکند آنها را اگر رب انزوت و فرموده که پیر کنیز از ظلم برستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت
فصل چون خشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت و دوزخ بی باشد
که از صراط گویند باریگیر از موتیر تر از شمشیر و بر آن پل کوهها و خاها باشد کافران و منافقان
و دوزخ افتند و بر صراط عبور توانند کرد و مومنان از آن بگذرند بقدر اعمال خود بعضی مثل پری
و بعضی مثل بادند و بعضی مثل اسب تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخوابی و وقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی
گناهای خود و دوزخ افتند و در حدیث آمده که هر که واسطه شود بسو یا و شاه بلی حاجت براری مسلمانان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوابی صدقه دهد بخوابی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم را به سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم آموزد و بچشم زدن بر صراط دیر نکند و آرد و هب بن نمیه رو
داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد رو تر بر صراط که باشد فرمود که سانیکه از حکم من باقی باشد
و زبان شان بذر تر باشد و این مبارک و این ابی الدنیا از سعید بن ابی ثانی روایت کرد که هر
روز قیامت بر بعضی مردم باریک تر از نی باشد و بر بعضی مثل دای پهن تر حق تعالی سیف نماید
و ان من الله و اردها کان علی ربك خنما مقصیه الله ثم یجی الذین اتقوا و نذر
الظالمین فیها حیثا یمنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود و دوزخ زیست این امر بر پروردگار
لازم حکم کرده شده بستر نجات و هم بر تقیان را بگذاردیم ظالمان را در آن برزاق افتاده مراد از دوزخ
همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند

تغییب آرد
آنگاه که بیان
آید که گویا

دعه کرده بودی بود و دوزخ او دوزخ را ندیدیم علم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد
 و طبرانی از یعلی بن اسید روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمانان
 گوید که زود گذری بود که نور آتش را سر کرده در حدیث آمده که هر که گرسنه اند و لا داویش از بلوغ درده
 دارد و دوزخ نشود و گریه کند و در حدیث آمده که هر که گرسنه مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد شود
 که در حدیث قسم صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که چون مومن
 از آتش نجات یابند جسدها ده شوند و پیکر میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی
 از بعضی در مقام چون از آن پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم که می که جان محمد در دست اوست که هر
 از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
 کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار بهمان صراط بر آید
 قصاص با هم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سومی آن قصاص با کشش از
 صراط شده آن قصاص دخول دوزخ باشد و این قصاص بحبس باشد از دخول جنت تا وقتی که منتهی شود
 فصل جماعتی از مسلمانان چون آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی اعمال
 دخول جنت نمایند و در قلمه که میان بهشت و دوزخ باشد محبوب باشند آن قلمه را اعراف گویند
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهکارند
 که محبوبان شده حکم خدا بر سر دیوار اعراف ایستاده و در میان بسیار روی بهشتیان را بسفید روی
 بشناسند چون سومی پل بهشت بینند و دخول بهشت را طمع کنند چون سومی و در میان بینند از
 حال شان پناه ببرند خدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد و قوله تعالی **أَقْبَلُ إِلَيْكُمْ**
أَقْبَلُ إِلَيْكُمْ لَا يَنْفَعُكُمْ إِلَّا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ **أَقْبَلُ إِلَيْكُمْ لَا يَنْفَعُكُمْ إِلَّا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ**
 و در حدیث آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن با فرایان
 باشند بسبب نساوت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند و قیامت گو
 و در پستان خشک شود از زمان حق تعالی رحمت خود آنها را داخل بهشت کند که این حدیث منسوخ است

و قسه موده هر که ثابت باشد بر سختی مرینه و آنجا باشد برای او شهادت و شفیع باشم
 و قسه موده هر که در مرینه یا یکمیرد او را شفاعت کنم و قسه موده هر که برای زیارت
 من آید واجب باشد بر من شفاعت او و در روایتی آمده هر که زیارت قبر من کند واجب باشد
 بر من شفاعت او و قسه موده بسیار درود بفرستد بر من بر وجهی و شب جمعه هر که چنین کند او را
 شهادت باشم و شفیع و قسه موده هر که ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
 و قسه موده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد
 و قسه موده که هر که بعد نماز این دعا خواند **اللَّهُمَّ اعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُصْطَفِينَ**
مَحَبَّتَهُ وَفِي الْعَالِينَ رَحْمَةً وَفِي الْقُرْبَى كَرَامَةً واجب شود و او را شفاعت محمد صلی الله
 علیه و سلم و قسه موده که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مخرجیه او دم قدر
 مخرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت و بگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسد
 ناکند نمکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون تو به نخله فی النار باشد و قسه
 که دوم در شفاعت من نباشد یکی بادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند و براید یعنی اهل هوا
 مثل روانض و خواجه و مانند آنها و قسه موده که جدال بگزاید جدال کننده را شفاعت من رسد یعنی آنچه
 خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و قسه موده اول شفاعت کننده و شفاعت
 قبول کرده شده من باشم و قسه موده اول شفاعت انبیا باشد پسر شفاعت صدیقان پسر شفاعت شهدا
 و بروایتی اول شفاعت انبیا پسر شفاعت علما پسر شفاعت شهدا پسر شفاعت مؤذنان قمر مود عالم
 و عابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو و عالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
 از ابن عمر و بایست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود و اگر چه جد و ستارگان باشند
 فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که شهادت شفاعت کند در بهشت و کس از اهل بیت خود و قسه موده که حاجی که در
 چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و قسه موده که مردی شفاعت کند برای یکم و مردی برای دو کس
 سه کس روز قیامت و مردی باشد که بشفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل سبیه و مفرد و اهل بهشت

این دعا را در روز
 و در میان پای او
 نذر جان فایده دارد
 منع چشمه باشند
 یعنی نعلین بر پای او
 و عابد را برای شفاعت

و فرمود که مردی از اهل جنت شرف شود و در میان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان مرا شفاعت
 گویدی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خواهم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا
 کند او از آتش براید مردی را گوید من ترا آب فرود آورده بودم مردی دوزخی مردی ششی را
 گوید یا داری که تو مرا برای کاری بستانی من ششم و کار تو کردم او شفاعت کند و رسول فرمود
 صلی الله علیه و آله و سلم در تفسیر تو که **لَا تَقُولُوا قَوْلَهُمْ** و **وَيَذَرُكَ هُمْ مِنْ فَضْلِهِ** مراد از
 یزیدیم من فسخه شفاعت است برای دوزخیان کسانی که ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرمود
 که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند و کسی
 که آتش برای شان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان
 قبول شود و در حدیثی آمده هر که راسه بچه مرده باشد بر دوازده بهشت استاده باشند آنها را گفته
 که درشت بروید گویند چگونه رویم پرور ما در داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود
 شما پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شستن
 باز داشته بودم شفاعت من قبول کن قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم و حج را
 روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر او رسول فرمود صلی الله علیه و آله
 لغت گویند گان روز قیامت شاید و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
 صلی الله علیه و آله و سلم است او از آتش بیرون شدند شفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
 دیگران از علما و صلحا غیر هم داخل شفاعت آنحضرت است که بدولت متابعت آنحضرت رتبه شفاعت
 یافته حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را رتبه شفاعت داده در صحیحین و حدیثی طولی از ابی سعید خدری
 مردی است که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود چون مومنان آتش را می بینند و از صراط بگذرند و در جانب
 برای برادران خود که در دوزخ باشند و از شفاعت مسالعه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما ساز
 روزه و حج میکردند حکم شود که برارید بر کار ایشان سید حق تعالی آتش بر صورت تمامی مسلمانان حرام کند
 صورت های شان بحال باشد پس برارند خلق کثیر را و گویند یا رب حالا از آنها کسی نمانده که امر کردی حکم کن

هر کس تمام اینها را
 در این روز از خود
 در ایشان داده باشد

عبدالمستاین
خدایی را که بر دانه
اندره را به شک
پودر و گاه به برآید
بخشند و قدرش را

عبدالمستاین
چرا به دست

سابقان و این شست شوند یعنی حساب میانه روان حساب بسیر شود و ظالمان در طول عمر مجبور باشند به شست
آنهارا تلافی کند بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** **أَذْهَبَ عَنَّا الْخَيْرُ** **إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُوفٌ**
و فرمود که حق تعالی عالم را فرماید که من علم خود را شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت شدیم بر شما بر بیایید و شما را
فائده بهترین مسلمانان نزد خداست فرقی اندر شد که جان خود را در راه خدا بذل کردند و دوم علم ا عقل
و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود را در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
که نیت خالص باشد و گرنه اول بد و نیک رو نند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که حکم کند بر وی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بود دادم تو
چون عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم را جری شجاع
پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بد و نیک اندازند و دوم عالم که حق تعالی نعمت با او داده پرسد که چه
عمل کردی گوید که برای تو عالم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بد و نیک انداخته شود سوم
مردی که او را حق تعالی مال داده او چرصف مال مردم بخشیده چون نعمت با او داده از او پرسد
چون عمل کردی گوید که در راه تو مال بر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم را
گفتا که ترا جواد گویند گفته شد حکم شود بد و نیک انداخته شود پس هر عمل نیت خالصه است
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** عمل معتبر نیست مگر به نیت
فصل الإيمان بين الخوف والرجاء ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم که یکی از انبیا بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود نیک کنند اگر
بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی توان برآمد بگو که بکار
که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را بخشیدم و باک ندارم و بطرانی از او آمده این استعجاب است که
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از او گوید چه بخوا
اگر خواهی حساب اعمال ترا جزا دهم و اگر نخواهی بفضل خود او گوید آئی تو داناتر منی گناهی نکرده ام نگاه

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل یاو کنید ادنی نعمت از نعمتهای خدا بهر عمل او را فرایید و انگاه آن بنده گوید
 الکی بفضل و رحمت خود مرا بخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله سلم فرمود
 و فائز است اندکی و فقر حنات دوم و فقر سیات سوم و فقر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت بخیر کند
 و گیرد و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتهای را بخشد و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار لغو و باندنها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه و آله سلم آمد و میفرمود
 آنحضرت پرسید که چه حال است گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بجلید با چوبی که بیضی است
 دیده آمده ام فرمود و صف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افزوختند تا که
 سفید شد پستریز سال دیگر افزوختند تا که سرخ شد پستریز سال دیگر افزوختند تا که سیاه شد پس
 آن سیاه و تاریک است روشن نیست شر آن و کم نمیشود و سوزش آن قسم کسی که ترا فرستاده است
 بحق که اگر سوراخی شود و از دوزخ بقدر سوزن اهل زمین بهر نیمه نواز گری آن اگر فرشتگان عذاب که جهنم
 ظاهر شود کسی از آنها بسوی دنیا و اهل زمین را بر بینند بهر نیمه نواز زشتی روی او و بد بوی او و اگر حلقه
 از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نماده شود بر کوهها دنیا بر آینه فرو رود و تا زمین سفلی هرگاه چنان
 و دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دهشت آن پدیدند چون آدم علیه السلام مخلوق شده و برای شان
 قرار گرفت در تحقیق است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هرگز حق تعالی
 گوید تا که رب لغت در آن قدم نهد آن زمان بعضی از ان بسوی بعضی پیچد و گوید پس بس و دوزخ در
 سفلی است یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان چنانکه از و سبب بن منبیه و لیست که چون قیامت
 قائم شود خلق که پوشش سقر است از سقر دور شود و از آن آتشی بر آید و دریا که بر جسم مطین است
 و حاکم است میان جهنم و بهشت طبق زمین و چشم نردن افزوخته کنند همانست محسوس مسجور
 فصل جهنم را بهفت در که است و بهفت در است یکی بالایی دیگری و دیگر هر جماعتی است که

اول شان چشم است در آن عذاب کبر است بر گنگاران این است پست تر از آن نعلی از آن پست است
 از آن پست خطره زیر آن سقر زیر آن چشم پست تر تا ویه منافقان در درک اسفل باشند از دوزخ سفل
 را باید که همیشه از دوزخ محسوس بیجا پناه جویند از عذاب مرد است که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
 دوزخ با هم هیچ گفته شود که چنانست دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
 بگذارند بهیچ روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم نمی گفت تا که تبارک و حم سجده
 نمی خواند و فرمود که حسم تا هفت اند و در دای چشم هم هفت اند حسم سجده از آن روز قیامت
 بردی از دای چشم بایستد و بگوید که آبی داخل نشود ازین در که سیکه با من ایمان داشت و مرا می خواند
 فصل مولا که چشم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت چشم مخلوق
 و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک از آن آفتاب است که در میان دو شام و صد ساله زاست
 در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک از آن گزشت و مالک انگشت شاست بعد و همه دوزخیان
 کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قویگی گفته نوزده مردارند و مولا که
 چشم بیست و دو میل و اوست و چشم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود پیش از آنکه در قیامت در دوزخ
 که در وی دهم دوزخیان جبار است و صعود و کبر است و چشم در هفتاد سال جنمی با قلا آن رسد و باز از آنجا
 فرو افتد و چنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود و کبر است که اگر در وی دست رسد گداز شود و چون دست برد
 باز دست درست بشود و همچنان قفر و صلی الله علیه وسلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب چشم انداخته شود
 تا هفتاد سال پایین او رسد و در نهایت آن غمی است و انام و آن هر دو نفر اند از یم دوزخیان و موتی
 وادی عمیق است روز قیامت فاصل باشد در میان سلیمان کفار از اهل دوزخ و صحیحین است که دوزخ شکایت
 کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی از من بعضی را خورده حکم شده او را بدو
 می بسودی که از بسودی او در دنیا سر می شود و می بگری که از گری او در دنیا گریه می شود
 فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیر چنانها از مس که خسته شده شدید الحرارة و سبب آن
 اهل دوزخ را پوشاک باشد و بنگی برای شان بهتر است از پوشاک حیات باشد و موت برای شان بهتر

از حیث برتری و در خیانتش باشد و لحاظ از آنکه دوزخیان زنجیر باشند که هفتاد گز طول آن زنجیر باشد
 بزرگ از آن هفتاد و پنج برع مقدار این گنج که گفته اگر تمام این دنیا جمع کرده شود بیک حلقه زنجیر و دوزخیان سه
 کن زنجیر از او برآمده داخل کرده و از دهن برآورده بر سر پیچیده شود و جسم بالای سر کافر خنجر شود پس بر شکم
 و فروریزد و خنجر در شکم باشد در قدش باز به چنان درشت شود و باز خنجر خنجر شود و طعام و دوزخیان قوم
 باشد اگر قطره از آن در دریا افتد زنده گانی اهل دنیا ناسد که از تنم درختی باشد از شدت گرگی آدمی
 از وی بزدان گیرد آن درخت از آدمی جان بدرگردد که در دوزخ طعام و دوزخی خنجر باشد رسول فرمود صلی
 علیه و سلم ضرب چوبیست در دوزخ شباهت خار تلخ تر از سمیرا بود که اگر ترا از آنش وقتیکه بخورد
 صاحب او در شکم فرود رود و از دهن برآید گلوگیر باشد نه زنده نه مرده که سنگی دور سازد و دوزخ طعام و دوزخ
 غسلین باشد یعنی ریم و دوزخیان و شرابشان جیم باشد یعنی آب است نه آب که می خورند و خنجر آب در
 سودی در غایت سردی و در حدیث آمده که اگر یک دوزخساق در دنیا افتد تمام دنیا بدو شود و از آب
 مرده است که خنصاق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهر دار باشد ایشان را
 در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده و بر پای افتد و آنرا مثل پارچه بکشند نزدیکی
 از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که سنگی بر کافر غالب کرده شود و حدی که
 برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس بگویند که دنیا
 از آب طعام را از گلو فرو می بردند فریاد کنند و آب خواهند پس جیم بگویم بایستی زهر و مایه شان کرده شود
 از گلو آب روی شان برآید و چون در شکم داخل شود خنجر در شکم از امحاست قطع کند انگاه خازنان
 دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که بگوید از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده
 گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی ناقبول است دعا
 گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی را بمیراند مالک بعد از رسالی جواب داد که شما همیشه در عذاب باشید
 انگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بختی مانع باشد و با قومی گمراه بودیم ما از دوزخ برآیم
 باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب داد احسبوا فیما کان علیهم من الذنوب و حق تعالی بگوید انگاه

در زیر دهرست باشند در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را پنج دعا باشد اول گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و بار آورنده کردی ما را و بار آفرار کردی ما را و بار بگذران خود آما را باشد را بی بسوی بر آمدن از دوزخ جواب و بد حق تعالی این عذاب از آنست که چون مردی توحید میکردند شما اعتقاد بشکر میداشتید و شرک میکردید پس حکم مقرر است نه دیگری را باز نذا کنند آنگاه ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدینا بفرست تا عمل کنیم بگوید جواب یا بشنید این عذاب را شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم چشید عذاب را همیشه سبب اعمال خود باز گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا نیاید فریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پس روی کنیم رسولان را جواب و بد خدا آید بودید شما که قسم میخوردید که شما زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ باز عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شما را در دنیا آنقدر که دیگران در آن عمر چند نذر فرستند و آمدند نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا اینچنین شنید عذاب طلبان را کسی مددگار نیست باز گویند ای پروردگار ما را بر ما بدبختمی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما را برادر پس اگر باز گفتیم ظالم باشیم آنگاه جواب داده شود و خدا شوق افیه و کاتیکم و باز هیچ سخن نگویید رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در دوزخ ما را باشند مانند گزندهای شتر بختمی و کژ و صها باشد خرد ترشان مثل خیمه بر گاه نشینند رنج او تا چهل سال باقی ماند در روایتی آمده که نیش کژ و صها مثل درخت طویل از خرباه باشد قسم از آن روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد و پری پوست او مسافت سه مرحله راه و بر روایتی آمده که مقعد او از کتف او بلندتر و در حدیثی آمده که ثمن نزد گمشودش کافر بمقتصد سه ساله راه باشد آتش بدن کافر اخور دما که رسد بر دل او باز بدش در سخت شود باز همچنان کند تا ابد عاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخت میشود و باز درست گرد و عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه و سلم شنیدیم و بر روایتی در ساعت صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بر روایتی شش هزار بار از حسن بصری مرویست که در روزی هفتاد هزار بار و جمع روایات بتعداد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

در روز که دوازده ساعت باشد بختاد و دوزخ را میشود با سقاط کسر جمع این دور وایت میشود
 و از خنیدن مرویست که در جنم درندگان و سگان و کلابها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان
 کلاب قطع کنند و از آن شمشیر اعضا قطع بدارند و شمشیر سیاح و سگان بیست داند و هر بار که عضوی
 را بر بند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده است که آتش موی کفار را آنچنان کند که لب بالا
 کشیده شود تا نیم سرسد و لب پایین به پشت تا نیمه پیرسد این عباس در تفسیر قوله تعالی **قَلِيلًا قَلِيلًا**
 قَلِيلًا قَلِيلًا کثیر میفرماید که دنیا قلیل است و دنیا برفه نباشد و خنیدن چون دنیا منقطع شود
 محویشان منقطع گردد و رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که اگر کسی چشم منقطع شود از آن
 خون بگریزد و در رویهایشان خند قضا بشوند که اگر اینها در آن بجا نماندند و فرموده که دوزخیان
 مدتی آب چشم بریزند بستر مدتی ریم گریزند پس خانان جنم گویند ای بزرگوار دنیا نگریستید حال که
 فرمایید رسد دارید آن زمان از اقربای خود که هشتیان باشند ندا کنند ای جماعه پدران و مادران فرزندان
 برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقت تشنه مانیم و الحال تشنه ایم بریزید بر آب یا بخور خدا البشما
 داده است بعد چهل سال از اینجا جواب یابند که حق تعالی آب و غیره بر کافران حرام کرده است و دوزخیان
 در دوزخ زخیر و شریق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از ابل و دوزخ کمتر در عذاب
 کسی باشد که او را انگیشتن آتش باشد که از آن دماغ او جوشد چنانچه دیگر سجوشه داند که کسی از من در
 عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر است در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه و سلم پرسید
 که ابو طالب حمایت تو میکرد و او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در صحضاح آتش است
 اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود و صحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتا ننگ باشد
 بکمتر از آن در حدیثی آمده که ابو طالب را انگشتین است از آتش که از آن دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهکاران از مسلمان

رسول فرمود صلی الله علیه و سلم و دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده

و بعضی کسان آتش رسیدن میرند و مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها را برآورده بر
 نهر که بهشت انداخته شوند و این بهشت را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها مثل سبزه برویند و در حد
 آمده که گرمی و زنج بر امت من مانند گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی در خیابان آتش
 تا شش انگشت باشد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا حدینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر و فرموده زنان را که شش بار
 اکثر ابل و فرخ دیدم زنی گفت چرا فرموده تا لعنت بسیار بگوید که کفر انعت شوهران بکنید و نیز در حق زنان
 فرموده که آنها عطا شکر میکنند و بر ملاصرت میکنند و فرموده که مردی را در دوزخ انداخته شو پس مردی را نیز عطا
 پس آتش گردش کند چنانچه بر سر او میگردد و دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلانی حالست ترا تا ما
 امر معروف و نهی از مکر میگردی گوید که من شما را امر معروف میگردم و خود آن کار نمی گردم و نهی از
 مکر میگردم و خود مرتکب آن بشوم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کرد
 و طلب علم نکند و مرد عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانه جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از
 عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب با جلدی کروید پیش از بت پرستان آنها گویند که
 عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قتل داده یا گوشواره یا دست بند از زر و نقره
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که قتل داده و مانند آن از ناز باشد علما این حدیث را در حق زنان
 منسوخ گفته اند تا ما و ابل میکنند بعد از آنکه کات و فرموده هر که در ظرف زریا نقره آب خورده آتش
 و دوزخ در شکم او و از کند چنانچه آب در کوزه و همچنین هر که اگر زبان جبهه از حریر باشد او را طوق از آتش باشد
 و در همچین است که فرمود هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد بکلمه غیبت داده شود که در دو جوگره ده
 و نواند و هر که سخن کسی را گوش نهد او را بشنیدن او را ضعی نباشد و گوش او سبک باشد که اخته بخند شود
 روز قیامت و هر که صورت نوری روح سازد تکلیف داده شود که در آن روح داخل کنند و هر که عالم را
 پوشیده کند او را انگام از آتش داده شود و هر که دوزبان باشد در دنیا یعنی روبرو شخص بی وضعی بگوید
 و غایبانه بوضعی دیگر او را دوزبان باشد از آتش روز قیامت و هر که را در وضو پاشنه خشک مانند پاشنه
 پخته او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در وضو انگشتان خلل کنید تا آتش

در میان شان قیام و در صحیحین است که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرموده که هر که از یمنی خود را انداخته
بهشت و دوزخ در جن غلاب باشد و هر که از یمنی خود را انداخته دوزخ و زهر خورده مرده باشد و هر که
با یمن خود را گشت همیشه که یمن او درست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هر که اهل یمن را
بدی خواهد و آتش که از دوزخ بیخ قطع می کند آنست که همیشه در کعبه می کند گفته شود که گوشت او در چاه
مردگی خنجر خورگی گوشت او در چاه است نه در گلی است و سیاهی رخ کشیده در صحنی نازده که چاه
باشند که در حیم و حیم بگردانند و اهل دوزخ گوشت او در چاه است نه در گلی است که گوشتی ندارد این که
نویاده از ایندانی نفس خود را و او گویند و بعد از آنکه گوشت او در چاه است نه در گلی است که گوشتی ندارد این که
او باشد و دانش خود او معنی باشد در باب است از رسول صلی الله علیه و آله و سلم از رسول صلی الله علیه و آله و سلم
او اسعاس خود را آتش کشد و او را از سخن در دوم است که در این باب است که گوشت او در چاه است نه در گلی است که گوشتی ندارد این که
غیبت و نیمه کند و همیشه گوشت خود و خور و از فیض خود در میان بر نیست که گفته عالم که از علم خود منتفع
دو زخیان متناهی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که هر که از یمنی خود را انداخته
را از بد بوی و در صحیحین است که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که هر که از یمنی خود را انداخته
آنکه هر که مسک خور و او را نوشاند حق تعالی طینت خجالی فرستد و در خیان و در حدیث آمده
که هر که عمر نوبت خدا را و اجماع منم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که از یمنی خود را انداخته
و اجماع بر است بر آن که هر که اهل بدیند آنکه از یمنی خود را انداخته و کسی که چنین نکند و از حق تعالی
طینت خجالی نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که از یمنی خود را انداخته و کسی که چنین نکند و از حق تعالی
کند تا که بر ایند از آن قول بر بخواند از آن قول فرموده که زنان نوحه گرا و وصف کرده بر جانب یمنی
دو زخیان استاده کرده شود پس آنرا که نه باشد بر دو زخیان مانند آواز سگان فرموده که سگ و
ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که سخت تر عذاب مصرا
باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که از یمنی خود را انداخته و در حدیثی آمده که
که صاحب مراد شام و در پست کسی را که دیگر مثل انسان را و شام و در فرموده که سخت تر عذاب کسی را باشد

کسبی را قتل کرده یا نبی را قتل کرده و بادشاه ظالم را مصلوب کرده و فرموده که سخت تر عذاب بر او
 کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیث آمده که حق تعالی بعضی مردم را بهشت
 حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوشبخت مبتدیان حکم کند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ افکند
 پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
 داخل دوزخ میکردی بهتر می بود حق تعالی فرماید که بهین استم که شما را حسرت و هم شهادت خلوت
 گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم برخالات آن میکردید از مردم محبت میکردید و از من محبت نمیکردید
 تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعلی که برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امری که من شهادت
 عذاب الیم و محروم شتم شما را از ثواب فرموده که برای استناده کنندگان با مردم در پی سبوی بهشت
 کشاده شود و گفته شود کی از دنیا برای خروج از دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
 بسته کرده شود همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه گشاده شود و گفته شود که بیا از ناامیدی بنیاید
 و در حق چند کس در احادیث وارد شده **فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ كُنُوزَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ** یعنی باید که خانه خود در دوزخ
 سازد و کسی که بر بنیامین صلی الله علیه و سلم دانسته دروغ بگوید و کسی که دعوی دروغ کند و کسی که شهادت
 دروغ دهد و کسی که قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسی که دوست دارد و آنکه مردم پیش او آید
 باشند و در حدیث وارد شده که گناه بگاران سواست محمد صلی الله علیه و سلم در دوزخ انداخته شوند
 روای شایع است سیاه شود و قیامت آتی یعنی در باطل و طوقها در گردن آنها باشد و گناه بگاران است محمد صلی الله علیه
 و سلم اگر در دوزخ انداخته شوند روای شایع است سیاه نباشد و نه قید در پل و نه طوق در گردن آنها را دیده
 مالک گوید که از شما خوب رو تر بر من وارد نشده است شما از کدام است بپرسید گویند ما از امت فرما
 هستیم از امیر المؤمنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما روایت که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر
 از موصدان که بدون توبه مرده باشند بگردانند داخل دوزخ شود و چشمهایشان از ترق نشود و در دوزخ
 نشان سیاه نباشد و با شیاطین در یک نجیر نگردند و طوق در گردن و زنجیر در پا نگردند و جیم نخورند
 شعله و قطران نموشانید و شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتهاشان آتش حرام نگردد و سبب جود

بعضی از آنها را آتش باشد تا قدیم و بعضی را تا پائین باشد و بعضی را تا ازل و بعضی را تا اگر در
 بقدر نشان شان بعضی از آنها یکسخت است و بعضی دیگر در معنی بقدر دیگر دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال
 در دنیا و بعضی بعد از آن از آن خارج کرده شوند و در آخرت مانند شان در دنیا و بعضی در دنیا و بعضی
 فصل چون خواهد که حق تعالی آنها را از دنیا برارد و بعضی را در دنیا و بعضی را در آخرت
 باطله مومنان را گویند که ما و شما در دنیا و بعضی را در آخرت و بعضی را در دنیا و بعضی را در آخرت
 و مومنان را از دنیا برارد و بعضی را در آخرت و بعضی را در دنیا و بعضی را در آخرت
 و بعضی را در دنیا و بعضی را در آخرت و بعضی را در دنیا و بعضی را در آخرت
 پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز در مایه دنیا و بعضی را در آخرت و بعضی را در دنیا
 برآنها زنند و احمد را بفرستد و احمد را بفرستد و احمد را بفرستد و احمد را بفرستد
 بر کسانیکه عمل نیک گاه بی نکرده اند پس برآنها را از دنیا بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کنند
 خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و برآنها را از دنیا بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کنند
 آزاد در حرکت درآورد و کسی در آن نباشد شیخ محی الدین عزیزی از یحیی بن موقوف میگوید که بعد مدتهای
 در دنیا و بعضی را در آخرت و بعضی را در دنیا و بعضی را در آخرت و بعضی را در دنیا
 و علماء این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جایی عاصیان مومنان که طبقه علیاست از دنیا خالی شود
 و کسی از موحدان در آن نماند بطرف آنی از آنسوا جزا بر بند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 که مردان اندامت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتی که خدا خواهد پستتر عار دهند آنها را کفار که
 شمار قصد یق رسولان را نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برآنها هر که باشد مسلمان آنرا کافران
 آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودی آنحضرت این آیت خواند **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا كُفُّوا**
عَنِ الْمَسْئِلَةِ حاصل آنکه مسلمانان را در دنیا و بعضی را در آخرت و بعضی را در دنیا
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گوید و بر همین اعتقاد همواره و البته داخل بهشت شود و ابو ذر گفت که اگر چه
 کرده یا سرفه کرده باشد آنحضرت فرمود اگر چه زن او سرفه کرده باشد باز او در جهنم گفته باز آنحضرت

از خاک آلوده شدن
یعنی بانی در کفایت از خاک
شسته ای بر لب این
این جهان از این

همان فرموده و در تفسیر سوم گفته که کل نعم الله الخ حیة و قمره هر که میزد و در حالیکه تکرار
نموده باشد داخل بهشت شود و هر که میزد و در شکر باشد داخل و درخ شود احادیث درین باب
بسیار اند زیاده از حد تو را در بعضی احادیث یاد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و بر سر محمد
صلی الله علیه و سلم حق تعالی آتش و درخ بر وی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبد و غلوط در دوزخ
بر وی راست بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهکاران از مسکین و از یتیم و از یتیم و از یتیم
ای هر روز روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد و او را در
از پیش از آن نجات دهد و در حدیث دیگر از آن روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که
حق تعالی بفرماید که از آن شراب را که روزی برآید کرده و جابجائی از من ترسیده باشد
فصل در صحیحین از ابن عمر روایت چون شش تان تمام داخل بهشت شوند و همه دوزخیان بکنی کفایت
در دوزخ مانند استاده شود و با یک بنده در میان شان و او از کنای ای اهل دوزخ موت نیست
و ای اهل بهشت موت نیست هر یک در آنچه هست همیشه باشد و هم در صحیحین است از ابن عمر و ابی سعید
خدری که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قتی که همه شش تان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ
مانند موت را بصورت کبش سپاه در میان دوزخ و بهشت آورده شود و گفته شود و ای اهل بهشت
و ای اهل دوزخ موت را می شناسید هر یک گردن دراز کند و بیند و گوید آری این موت است پس او را
فدح کرده شود و گفته شود ای اهل بهشت خلوت است و ای اهل دوزخ خلوت است موت نباشد رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگین و دنیا بر این خوش شوند و اگر
اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگین و دنیا بر این غمگین شوند لیکن بر اینها خلوت است
از آن پس شود و روایت که چون باقی ماند کسی که در دوزخ محله باشد آنرا در صند و قهاری آینه کرده و آن
بینجامی آینه زده و آن صند و قهاری در صند و قهاری دیگر آینه کرده انداخته شوند پس این دوزخ پس از
از آنها اندک غیر کسی دیگر در عذاب نیست و هم از ابن مسعود روایت که منافقان از صند و قهاری آینه کرده
سنگ اسفل دوزخ در نور با ننگ تر از منج که کوفته شود و تیره کرده شود آنرا حبس الحزن گویند

این حدیث در صحیحین
در تفسیر این حدیث
در تفسیر این حدیث
در تفسیر این حدیث

باب پنجم در صفت جنت و دخول بهشت و نعمتهای

دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در تحمیل این عاقله صد بقیه مردست که رسول فرمود
 علیه و سلم حکم گیرید که از خود را در نزدیکی جویید بخدا خوش باشید بدستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را
 عمل او گفتند یا رسول الله در آن تراف فرمودند مرا که اگر آنکه پوشد مرا حق تعالی مغفرت و رحمت خود و در
 صحتی سلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او در خلاص
 کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا اگر رحمت از خدا اینچنین در احادیث است. ^{یعنی} باید که در این سخن مشکل میشود
 بقوله تعالی ادخلوا الجنة ^{یعنی} داخل شوید پس ^{بسیار} بسبب اعمال خود جواب میشود
 بدانکه اصل دخول جنت و خلود در آن بفضل خداست چرا که خلود غیر متناهی است و اعمال متناهی است و
 تفاوت درجات جنت بسبب اعمال است تنها و از این مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم
 از صراط یعقوب خدا و داخل بهشت خواهند شد بر رحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت با
 خود و فیه گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقرینگان را بر حمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقر
 متناهی را دخول جنت و ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از آن اگر گفته شود که دخول جنت جزای اعمال
 گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت بر حمت خداست هم گنجایش دارد و بر آن وجهی از مسلم
 فارسی آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چنانچه از حضور عنایت شود باین عباد
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ الْغَزِيرِ الْكَلِيمِ لِفُلَانٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ
 عَالِيَةً قَطْرًا نَبِيَّةٌ ^{یعنی} این خط از الله عزیز حکیم است بر فلان که او داخل کند بهشت عالی
 که نمره آن نزدیک است و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سلام علیکم و علیکم
 فَاَدْخُلُوا هَا خَالِدِينَ هَؤُلَاءِ هُمْ فِي رَفْرَفٍ بَيَانِيَةٍ وَبُكُونِيَةٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ
 عُقْبَى الَّذِينَ هُمْ بَشْتِيَانِ كَوْنِيَةٍ كَلِمَةُ اللَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَبْتُوا
 مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ وَبُكُونِيَةٍ كَلِمَةُ اللَّهِ الَّذِي هَذَا هَذَا وَمَا كُنَّا لِنُصَدِّقَ

ع
 خداست که در این
 خود خداست که در این
 زمین بسیار است
 بهشت به جوار خود
 بسیار است
 آن خداست که در این
 دلائل که در این
 جوار خود است
 هرگز نیست
 خود را

لَوْ كُنَّا أَنْ هَذَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ مِنْكُمْ بِالْحَقِّ وَكَوْنَهُ الْكَافِرُ الَّذِي أَكْذَبَ عَنْكُمْ
 الْحَقُّ أَنْ يُنْزِلَ الْغَفُورُ شُكُوكُكُمْ وَجُنُودُكُمْ دَاخِلٌ بِهِنَّ شُونَهُ أَوَّلَ طَعَامٍ شَانَ بَادَتْ جُغْرَابِي بَادَتْ
 فصل در صفت جنت و عدد آن حق تعالی در قرآن میفرماید وَفِي مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتُ
 دُورٍ زُفْرُهُمْ فِيهَا جُنتَانِ یعنی هر که خوف کند از استادن پیش پروردگار خود
 برای آنها دو بهشت است و پایین تر از آنها دو بهشت دیگر اند در صحیحین و غیره از ابی موسی اشعری مروی
 که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که بهشت چهار اند و از نقره است عمارتها و آنچه در نقره است
 و دو از زر است عمارتها و آنچه در است از زر است و بنا در میان قوم در ویت خدا مگر پرده که بر یاد جنت
 عدن و بهشت از برای یاقین است و در بهشت نقره برای تابین است و بروایتی برای اصحاب کین
 و یکی گفت بعضی علما گفته اند جنات هفت اند دار الجلال دار السلام دار النخله جنت عدن
 جنت الماوی جنت نعیم فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی
 و از سیاق سوره رحمن مستفاد میشود و این همه با هم هر چهار بهشت است و در بهشت دجاء
 منازل بیشمار اند و صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که ایمان آورد بخدا
 و رسول او صلی الله علیه و سلم و نماز گزارد و زکات دهد و روزه رمضان گزارد و حق است بر خدا که او داخل
 بهشت کند در را خدا بجا کند یا در خانه خودش بسته باشد یعنی فرائض او کند و عبادت عین نیست غالباً
 مردم گفتند یا رسول الله خبر نمیدی مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که همی که در است حق تعالی
 آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت است که در میان آسمان و زمین
 پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت است و بالای آن عرش رحمن است و
 از آنجا نرانی بهشت بیشگاهند ازین حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله است
 و برای دیگر اهل جنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباد بن الصامت
 عرضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه است
 تفاوت آسمان و زمین است و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد ازین احادیث درجات مجاهدین

له اگر چه
 نمودی ما ضایع
 آمدن فرستگان
 پروردگار را
 بهست است
 ضایع است که در دارد
 از آن آفریده را
 آفریننده قدر شناس
 فی سبیل الرحمن ۱۱

در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوزد شش خدایند از حق تعالی درجه او بلند کند در میان و درجه صد ساله باشد
 و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان زمین است و در درجه اول غلظت
 و در درجه دوازدهم و قضاها از نقره است و در درجه نهمین آن هم از زر است و در درجه سوم همه آن از بلور
 و در او اید و زبرجد است و نود و هفت درجه قسمی است که نمیدانند آنرا جز حق تعالی و مسلم از این برتر است
 کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دارید که من شمار را بر آنچه دور کند خطایا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباب
 وضو بر سکاره یعنی در حالت ناخوشی بدن تعالی آب وضو بخوبی کند و در رفتن مسجد نماز و انتظار نماز بعد نماز
 همین است ربطا و پیوستگی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعد از آیتهای قرآن
 پس هر که داخل شود و بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
 را بگیرد این حدیث را بر این حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و شصت و شصت و شش است
 بعد از آیات قرآن بلکه حمل بر آن باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را فکر کند برای او درجات بهشت بیفزاید
 اصحاب سنی و ابن جبران از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب آن گفته شود که قرآن بخوان
 و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند و فر
 از فوق درخشند که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور بر او است فلان گوید که کن
 او در دنیا با هم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
 حق تعالی در دل او رضا دهد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند
 و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها تشنه بیداری میکردند و شما خواب
 میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند
 تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا اگر اصحاب بیوم و روز
 در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا اگر سه کس باشد عادل و دو در جمیع صل کننده و عیب دار صل
 فصل حق تعالی یفرماید **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ**
وَمَا أَلْحَقْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ طبعی کسانی که ایمان آوردند یعنی ایمان کامل تبعیت کردشان از

در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوزد شش خدایند از حق تعالی درجه او بلند کند در میان و درجه صد ساله باشد

اولاد آنها بایمان یعنی آنها مؤمن بهم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم نکنیم
 آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی ذریت مسلمانان بدرجه او رساند برای سزدی چشم او
 و در حدیثی آمده که چون مرد داخل بهشت شود از مادر پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که آنها چه
 تو بر سیده اند مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
 پس امر شود بالحق آنها و فرموده که هر که بلند می درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بر دین ظلم کرده
 و بدید کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده که هر که برساند بسوی مادرش
 برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدایات او بلند کند و فرموده که هر که گمانت کند یا خیال از پروردگار
 گیرد و از سفر بازماند بدرجات بلند نرسد و آبرو بهمی گمی گفته که شترشخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شتر
 حظ بردارد در آخرت درجه او کم شود و فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده
 الطَّاعِمُ الشَّارِكُ كَالصَّائِمِ الصَّادِقِ ابن عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجه غلام
 بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این که خدا بیشتر از تو کرد و طیرانی از
 ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کند که من نسب مقرر کرده ام
 و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اگر م ساختم و شما این معنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان
 بن فلان بهتر است امروز نسب مقرر کرده خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
 مرتبه متقیان بقدر تقوی بلند شود و در حدیثی آمده که دو دو کس راه خدا هم محبت باشند اما صاحبان
 غنی و فقیر صحیح و مریض و مملوک و بنیک خلق و بد خلق حق تعالی مرتبه صحیح بر مریض و بر مملوک و
 غنی بر فقیر و بنیک خلق بر بد خلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بد خلق گویند الهی ما با هم در راه تو هم
 بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چو فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا سچ آوده است
 و صحیح و حراز مریض و مملوک در اعمال صالحه زیاده ای کرده اند و بنیک خلق را بسبب حسن خلقی فضیلت شده
 فقیر گوید که الهی اگر ما مال میداوی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر ما صحیح و مزاج بودیم و
 عمل میکردیم حق تعالی از ما چه است گفته اند و فقیر را بر غنی و مریض را بر صحیح و مملوک را بر مزبور و بد خلق و بنیک خلق

و در حدیثی آمده که غرض از این برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنویسند و مردم را طعام خوانند و شیما
 نماز گزارند و حالیکه مردم خفته باشند خود در حدیثی آمده و با هر یک کلام گویند و در حدیثی آمده چنانکه
 متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که بر برادرش سلام گوید و سلام دهند و راجب سلام گوید او گویا
 افشای سلام کرده و کسیکه این عیال خود را از طعام سیر کرده پس طعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
 و سدر روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر بجماعت خواند از نماز و
 در شب و حالیکه مردم یعنی کافران خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود و اگر گفت یا رسول الله
 که اطاعت است که افشای سلام و طعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند و الناس پیغمبر و قائل
 اگر زیاد طاعت نباشد این قدر هم کافی است اگر فضل الهی حاصل است و در حدیثی آمده که حق تعالی عرفا
 بهشت میا کرده است برای کسانی که برای خدا دوستی دارند و ملاقات نمایند و آنچه خرج کنند برای خدا
 در حدیثی آمده که غرض از این شست رانه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشد از تحت مردم گفتند
 پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرده پریده رسیده باشند آن غرض صاحب بیمارها و صاحب دوا
 و از عمران بن حصین ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مساکین کاتبه فی جفای عذب
 پرسیدند فرمود قصر باشد از مر و اید در آن قصر هفتاد خانه باشد از یا قوت سرخ و در هر خانه هفتاد حجره
 باشد از مر و سبز و هر حجره هفتاد تخت باشد بر تخت هفتاد فرش باشد رنگارنگ بر فرش زرد
 از حور و در هر حجره هفتاد خان بر هر خان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمان
 قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کنند و از حدیثی اعمال صالحه که سبب ثوابی خانه
 در بهشت باشند بسیار مذکور شده اند از جمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن و ااتب نماز صحی
 و چهار گانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن در میان غروب عشا و سوره خواندن شب جمعه
 روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه جمعه و در حدیثی آمده که هر که وقت داخل شدن
 بازار گوید الله الله وحده لا شریک له له الملك و له الحمد ثم یسبح
 و یمیت و هو حی که میوت پیدا کند و میوت شود و بر او هزار در بدر رسد

و دور کرده شود آنکه هزار دربار گناه و ناکار و بلا و جان در پشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار سورۃ احق
 بخواند یا برای او در پشت بنا کرد شود اگر بهشت باز خواند و اگر کسی باز خواند خانه عمر گفت یا
 رسول الله در صورت بسیار خانها در پشت کنیم فرمود که اصل خدا فراموش طهرانی از حکیم بن محمد
 روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در پشت میشود و چون شخص از ذکر بپرهیزد میشود از بنا کردن بنده میشوند
 پس گفته شود آنها را که چرا از ماندن از بنا گویند تا که ما فقط رسد و همچنین از علی بن ابی نعیم روایت کرده و
 در حدیث آمده هر که این سوره را صبر کرد و حمد گفت **وَاِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاٰجِعُونَ** گفت حکم شود که بنا کنند
 برای بنده هر جا که در پشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صفت نماز یا صفت قتل از
 بندگ... او بلند کند و بنا کند برای او خانه در پشت و فرمود هر که در و غلوی ترک کند خانه او
 در پشت بنا شود و هر که ترک کند جال و او محبت باشد بنا کند خدا برای او خانه در میان بهشت و هر که
 خلق حسن باشد در علی بهشت خانه او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه شود
 و خانه در پشت بنا شود از یا قوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانان کند یا خانه او در پشت بنا شود
فصل بومی هشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی
 پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیث آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که در پشت
 او را بومی هشت نرسد همچنین دارد شده و حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی
 خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که
 خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زن نکند و کسیکه تنگداز خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب
 سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم مردی که مرود در دل او مقدار
 دانه خردل کبر باشد حلال نیست او را که بومی هشت بومی رسد یا بهشت را بیند
فصل در صحیحین از ابی هریره روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که در خان هشت
 باشند که اگر در سایه او سوار صد ساله راه رود و سایه او را قطع نکند و ترندی از اسلام بخت ابی که آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که در ذکر سوره الفتنی فرموده که سیر کند سوار در سایه یک شاخ وی صد بار را

دوران پر دانه ای زرباشند و ثمر آن مثل قلما باشند فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم طوبی
 صد ساله راه پاره پوشاک شستیان را از آنجا براید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم درختی در پشت تناب
 مگر آنکه تنه او از زرباشد و از آنجا بر آید و درختی که نخل بهشت را تنه زرد و شاخها آن طلا سرخ
 و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی و هم حلما و ثمر آن مثل قلعه سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم
 از زرد و نباشد آنچست سگمان فارسی رضی الله عنه چون خورد و دست گرفت و گفت اگر در بهشت
 اینقدر خوب طلب کنی نیایی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشد فرمود که هیچ و تنه آن اند و اید و زربا
 و بالای آن ثریا باشد یک دانی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی مذکور شده که
 اید امکنده صاحب نو و فرمود آن حدیث گفت سدره فرمود حق تعالی فرماید **فِي شَجَرٍ مَّخْضُودٍ**
 یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار و در بجای بر خار نمره باشد از نمره هفتاد و دو رنگ بر آید که
 مشا به یکدیگر نباشد و نمره درختان بعضی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته به حال میتو آن گفت
 مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از شک و درختان از زرد و نقره و شاخها
 از زرد و اید و زرد و نقره و نقره استاده و نشسته و خفته آنرا بگیرد و مسروق رضی الله عنه گفته که نمره
 جنت هر گاه که شسته شود بجای آن و دیگر قائم شود و آبی بر ریه گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق تعالی
 میفرماید **يُشْكَاتُ بِنَاءُهُ صَلَاحُ مَنْ يَرْجُو خَوَابَ لَيْسَ لَكَ ذَا زَانِ سَبَّحَ مَعِ زَيْنِ لَكَ مَا مِخْجَمَ خَوَابَ وَ اید**
 شتر بار جل و مایه ای کسی که خایه و در آید پاره آنچه خواهد دورا حدیث وارد شده که هر کس **سَبَّحَ لِلَّهِ**
 اگر بگوید برای او در بهشت نشانه شود و رسول صلی الله علیه و سلم ابو هریره رضی الله عنه را دید که
 درختی می نشاند فرمود که ولایت کن من را بر درختی بهتر از این گفت آن حدیث فرمود **سُبْحَانَ اللَّهِ**
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ أَكْبَرُ و هر کلمه از این درختی برای او نشانیده شود و رسول صلی الله
 علیه و سلم از بنیام علی السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت
 خاک است و شیرین آب و آن دانی درخت است و درختهای آن **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** و هر کس
 این کلمات را بخواند در بهشت خواهد بود و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که هر کس این کلمات را بخواند

درخت درشت نشانه شود و آب بن عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک و درود بخواند
این فی دریا رحمت فرستند و هر قدم درخت نشانه شود و گنایان او بخشیده شود و حق تعالی
سفرایده فاکه و نخل و رمان و قوایک و مایستهمون و فاکه کثیره لا مقطوعه
لا ممنوعه فیهم من کل فاکه زوجان و آب بن عباس رضی الله
فته که در دنیا اگر کما بهشت نیست مگر نام و گفته بر چه در دنیا از ثمره بهشت شیرین تلخ نماند که خصل در بهشت بهیم
بنی مور که هر یک نامها در بهشت به یکدیگر حقیقت و لذت حیرت دیگر باشد ثمره بهشت را دوازده گره طولانی و خسته
نقص حق تعالی سفرایده و آمدن نام فاکه و لیم و مایستهمون رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
بدستیکه تو بینی پرنده در بهشت و غنیمت کنی در خوردن آن بگفتد پیش تو بریان شده و آبی اما گفته
مردی در بهشت غنیمت طیری کند افسد پیش او شل شتر سختی زرسیده بوسی دود و آتش بستر از آن بخورد
تا که ببرد و باز آن پرنده بر رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول کنند
و آب و سن و آب یعنی نمند از نه طعامیکه خورند از آردغ و عرق بیرون رود بوی آن مثل بوی مشک
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن جماع کردن فوت صدمه باشد
فرمود که سومان را از طوط خدا به آید در او قاتی که نماز میخوانند و فرشتگان بر آنها سلام گویند
فصل در بهشت نهرا باشد از آب ارشیر که تغیر نشود و از خمر و از عسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
شد یا الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد نخبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
شتر آبهای بهشت است صرف ازان بفریان خورند و گران ازان خلطی شود حق تعالی میفرماید و
مَنْ لَجَّ مِنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا لَشَرِبَ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که
نهرا بی بهشت از کوه مشک برانند و فرموده که نهرا بی بهشت در غار زرد بر روزین رود و کنار
شان از مردار بد و خاک آن از مشک باشد و از این عباس رضی الله عنه مرید است که در بهشت
نهرا بیست که آب را بدید گویند بروی قبا باشند از باقوت زیر آن دانه آن باشند روئیده و
برای سیر آنجا آیند و آن دختران بدینند اگر دختری کسی را خوشتر آید دست خود بوی رسانه

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر برود و در حق نرمانی بهشت حق تعالی میفرماید
 وَنَحْنُ نَهْنَأُ تَقْصِيصُ الْيَقِينِ اِنَّ بَشَرًا كَذَّابًا هُوَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَنَهْنَأُ تَقْصِيصُ الْيَقِينِ
 از رازان قصصها اشاره کنند همراه آن قصصها مندرج جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت کرده است
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که هر که مسلمان از تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از حریق محفوظ بدارد
 و حریق محفوظ عبارت از عذبت است که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از عذبت صدراع نشود
 چنانچه در قرآن است و عقل را نکل نگیرد و چون این شست را غبت شراب شود بدست او آنقدر داده شود
 که نه زیاده باشد از خواسته او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد
 اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خوراند او را حق تعالی جهنم
 خوراند و هر که خوف خدا را ترک دهد با وجود قدرت بر آن در حدیثه القدر خورانیده شود و در حدیث
 وارد شده که در بهشت دخت باشد که از آن لباس شستیان بر آید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
 سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و بار دیگر خوبتر این ابی حاتم از کعب جبار آورده که اگر پارچه بهشت را که
 در دنیا پوشیده چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا بیند بهوش شود و میزد و صاحبان از عذبت زدند
 که لباس شستی در یک ساعت بنفاد رنگین شود و در صحیحین روایت است که آنحضرت فرموده که هر که حریر در دنیا پوشید
 در آخرت نبوشد اگر چه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا ظرف زریانقره خورد در آخرت از آن محروم
 فصل در صحیحین است که موسی با زور پویشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که او فی در و آید آن مابین مشرق و مغرب روشن است
 و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد او را از سندس استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده که
 مصیبت زوجه را تعزیت کند حق تعالی او را دوحه پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده که
 ترک لباس زینت کند تواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلافتی طلب کند و مختار سازد و اعطای
 ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از این بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
 یکی از زرد و دوم از نقره سوم از مر و آید از کعب جبار روایت است که حق تعالی در شسته پیکار ده است که از روز

پیدایش خود تا روز قیامت زودتر شستیان تیار میکنند از سعید بن جبیر و تفسیر قوله تعالی **لَا تَهْتَفُوا**
مِنْ لِسْتَبْقِي یعنی شستگان شستیان را استرازا سبق با هر دست که گفته که ظاهر این است که برای آن نور باشد
فصل **مُتَكَلِّفِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْكَانِ** یعنی تکلیف زده بر ارکها بنشینند و آنرا که را در هندی چهره است گویند
 که در زبان سخت یعنی چهار پای باشد و بالا آن جمله باشد مجاهد گفته ارکها باشند از مرد و دیاکو
وَمَلَأَتْ صَفْوَةً یعنی تکلیفها با هم صفت بسته از ابن عباس و نیست که خیمه از مرد و دیاکو باشد
 فرسخ و فرسخ چهار هزار تخته از زردان باشد **تَقَالِيْن** یعنی اهل هشت رو برو بنشینند بعضی بعضی را
 پشت نهاده و همچنین از ابی اسامی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که خیمه یکم دارد و مجوف باشد
 که شصت و نه عرض آن باشد و هر گوشه از آن اهل خانه بنشیند بر امون که دیگر اهل خانه را ببینند و آن بومین همه آنها بگذرد
فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویست که هر کس را در بهشت دوز و شب و روزی صد صحیح است
 از آنحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود مومن بهشتا و زوج بگفتند یا رسول الله توت هفتاد زن داشته باشد
 فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن سناکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعنه و احمد و زندی ابی اسامی
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هفتاد و دوزن باشند هفتاد و اخلت بهشت و دوزن
 از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد و نسا که بیشتر است بسیار
 شاید آن باعتبار بعضی اشخاص باشد لیکن در روایت دوزن اهل دنیا شبهه پیش می آید که در صحیح
 که آنحضرت زنان را گفت **أَرَيْتُمْ كُنْ أَهْلَ النَّارِ** یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را از آن
 چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران نمایید و نیز آنحضرت غرابها را
 دیدند در آن غرابها یکی بود سفید باز و باسنج منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
 این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و از تنجیدش معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
 توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
 انجام شان بهشت باشد و مراد **أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ دُخُولُهُ** آید لیل الله علت دخول شان
 در دوزخ کفر و کفر و انحراف و کفران نعمت و کفران شوهر فرموده و تخمیل که مراد آن باشد که هر کس از امت محمدی

و وزن باشند گوار زنان اعم سابقه باشند با طفل مرده باشد از اطفال مومنین با اطفال کفار و وقت
 دخول جنت جوان باشند و نکاح مردان مکلف داده شود لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
 از همه بهتر باشند زنان شست یک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر زنی از زنان شست ظاهر شود ما بین آن همان زمین روشن و خوشبوی که رشتی
 آفتاب را بپوشد و دامن من را از دنیا و ما فیها بهتر باشد فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که در مساجد
 جوان داخل شست شدم در موضعی که بتیج نام دارد در آن خمیده یا قوت و مرادید و زبرجد بود و آواز زنان
 السلام علیک یا رسول الله بر سیدم یا جبریل ایچا و از ست گفت این مقصودات فی الحیاة
 اند از حق تعالی اذن نه استند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنرا گفتند ما زانیم راضی گاه بی ناخوشی
 نکنیم همیشه باشند گاه گاهی سفر کنیم بطبری از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرمود که حوران شست از عفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن سلم آورده که سید ایشان
 از مشک و زعفران و کافور باشند از خاک و طبرانی و بیهقی از امام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
 صلی الله علیه و سلم که زنان دنیا از حوران شست و حسن اهل باشند مانند فضل ابره با ستر بسبب آن و در زین
 رویه ایشان را نوزد شد و جسد ایشان اسفید و خوبی و محاسن ایشان را در واید و شاهکشان از زین با امام
 رسید یا رسول الله زنی در دنیا و شوهر کند یا سه یا چهار و شست که باشد فرمود که او اختیار داده
 پس اختیار کند که تر و اصدق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
 از وای را باشد و ابن سعد از ابی بکر صه بنی رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
 مرد و آن زن شوهر دیگر نکند و شست با وی جمع شود حق تعالی میفرماید اِنَّ اَكْثَرَنَا هُنَّ اَنْثَاءٌ
 جَعَلْنَاهُنَّ اَبْكَارًا اَوْ اَعْرَافًا اَوْ اَبْكَارًا اَوْ اَعْرَافًا یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در شست داخل خواهد
 بکره و عاصقه شوهر خود و همه زنان یک عمر باشند و ترندی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که پیر زنان که چشم و چو گین چشم را حق تعالی بکار سازد و نیز چنین ام سلمه
 روایت کرده و دیگر احادیث آمده که این شست مرد و زن همه یک عمر باشند سی و سه ساله

در کتب معتبره از ائمه

حق تعالی سیزده خوراک یعنی سیاه چشم و کلان چشم و کمال اللؤلؤ المکنون
 یعنی مانند مروارید و صدف و میفرماید حیوانات حسن یعنی نیک خود خوشتر و این مبارک از
 اوزاعی روایت کرده نیک خوابند زبان دراز میبوده گویند رشک یکدیگر نکنند ایضا
 قاصرات الطرف یعنی چشم خود بر اوج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نمیند و فرموده
 گواحب آثر آب یعنی پستان نوحا ستم سن ابن ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که عورستی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود بهیچ
 از این عباس از آن سرور روایت کرده که اهل بهشت را قوت جلاله داده باشد که در صحگاه
 با صد زن جماع کند و طهرانی از ابی امام از آنحضرت روایت کرده که آلات مجامعت مانده نشود
 و شوت منقطع نگردد و بزر و غیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که
 اهل بهشت بازمان خود جماع کنند بزر و بکره شود لیکن از جماع در جنت توالد نباشد و اگر
 کسی احیانا آرزوی ولد کند حمل در اذن و جوان شدن مولود در یک ساعت است و بدکتر از آنکه
 و البیسی و غیر جماعه صلی الله علیه و سلم در حدیث آمده که مردی با یکی از حواریین صحبت داشتند
 ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری است بهتر از او میگوید که
 ولی خدا آیامراتو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از آن
 و همچنین همچنین رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که غصه فرو برد با وجود قدرت حق تعالی او را
 بر سر خلافت طلب کند و مختار سازد در حوران هر که خواهد بگیرد و فرموده که سه چیزند هر کسی را یکی از این
 باشد او را حور عین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا و ادا کند و خیانت کند و کسی که قاتل
 خود را بپنشد و کسی که بعد نماز سوره اخلاص اند و فرموده که هر حوران قبضهای خرم و پاک چنانچه
 نایب است یعنی آنچه در ایشان بدیده و فرموده که هر که بکشتی مساجد حوران است و فرموده که بهشت
 زمینت بگردان زالی تا مالی بر ماه رمضان حوران زمینت میگردان زالی تا مالی دیگر ای ماه
 چون رمضان اخل شود و بهشت گوید آهی بگردان دریناه از بندگان خود ساکنان در من حوران

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که از ایشان
یکصد و بیست صفت باشند از جمله هشتاد و صف از امت من و چهل از دیگر ائم و علمی و این عساکر
از جابر روایت کرده که مومنان بر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخوابید ازین
هر چه خواهند مردم بجایا رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما و جوه سوال آموزند پس مردم علما
در هشت بهم محتاج باشند و طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده
که اهل هشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا در آن ذکر خدا نکرده باشند این عساکر از
امیر المومنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بونیشت بر بزرگسالان
بیرسد و بونیشت عقوق کنند و والدین را قاطع رحم را و پسرانی را و کسیکه از تکبر دامن دراز کند نرسد
فصل اهل هشت در هشت بابرادران یاران دوستان ملاقاتها کنند و ماجراهای بنیاد کنند
بزار و بیهقی و غیره از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که چون هشت تیان
داخل هشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تحت یکی مقابل تحت دیگری آید و با هم سخن گویند
انچه در دنیا گذشته بود و اهل هشت دوزخیان را هم بینند و هرگاه هشتیان بخوابند یا بفریاد
و اصحاب جات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابوالنعم و غیره از آنحضرت روایت کرده که مردی نزد
پیغمبر صلی الله علیه و سلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست میدارم
و چون بخانه میروم من تو صبر نمیتوانم کرد تا که خدمت منی بیکم چون مردن خود و مردن تو خیال میکنم
منی ترسم که تو در هشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر به هشت رسم ترا بینم آنحضرت جواب داد
تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد **وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ** الاینه احمد و طبرانی از ابی هریره مضاف
بر بنی جمل رضی الله عنهما از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده که هر که در هشت شود یعنی در دنیا صغیر باشد
یا کبیر همه شان اجر داشته باشند یعنی بر تمام بدن شان سوی نباشند و اگر در هشت بود یعنی در دنیا
سی و سه سال باشند کیسان نه کم نه زیاده در چشم سر کشیده و این ابی الدنیا از ابن عباس آورده

که هشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگر را نباشد و از کعب احبار مروست
 که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگر را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
 و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هیچ اهل
 بناهای شان گفته شوند که آدم علیه السلام را ابو محمد ابو احمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
 از ابن عباس آورده که زبان اهل بیت علی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبور این زبان
 باشد و هشت زبان علی باشد و صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
 روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقر اکثر اهل جهم زنان و بزرگواران آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم روایت کرده که اکثر اهل بیت ابد باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
 و وجهی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و از هر گی گفته غافل از شر و مسلم از بی برهه از آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل هشت شوند جماعتی که دلهای شان مثل دکان پرندگان
 باشد یعنی خالفت و گریزان از احتلاط عوام و صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم روایت که حق تعالی اهل بیت را گوید که شما راضی شدید گویند چرا راضی نشویم که ما را
 دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آید داده ام شما را آنچه این همه فضل است گویند
 ازین افضل چه باشد فرماید که از شما راضی شده ام که گاهی ما راضی نشوم
فصل بزرگترین نعمتهای هشت دیدار خداست جل و علا و انفس و خوارچ و عزت و از انکار
 دارند اهل سنت و جماعت بدان مستدی شده اند حق تعالی میفرماید **وَجَعَلْنَا لَكَ خَيْرًا مِمَّا يَخْتَارُونَ**
لَهُنَّ أَنْظَرُهُ و میفرماید **لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ** طبرانی از حسن بن هشت و از
 زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این کیست یعنی از هر چهار خلق را شدن طالبی بن کعب و کعب بن
 و ابن مروویه و انس و ابو هریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود و غیره روایت و رسول
 فرمود صلی الله علیه وسلم که میبست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید
 در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب در میان نباشد یعنی بن سعید گفته که در روز قیامت

جن نه داخل بهشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین انبیا خفیه نقل میکنند لیکن حق است که مومنان جن را قفا
 و کافران را نذاب خواهد شد قال الله تعالی خطاباً للنفلیین من خوف مقام ربّه جنتان فی آبی الاء
 ربکا انکذبان وقال لمریطشهن انفس قلنهم ولا جان وقال الله تعالی حکایه عن کللام
 الجن ومن اسلم فالولیک تحریر و ارشاد و اما القاسطون فکانوا لجهنم جباراً
 و یقتی از انفس اند انفس و صلی الله علیه و سلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشند و بر انها عذاب
 پس سوال کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند و در بهشت بار است محمد صلی الله علیه و سلم نباشند
 پرسیدیم که اعراف چیست فرمود جایست بیرون بهشت در آن نهر جاری اند و درختها و ثمرها و آرا این
 و موب مروی است که رسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید اولئک الذین
 حق علیهم القول فی امم قد خلقت من قبلهم من الجن و الانس انهم کانوا خاسرین و کل
 در جهنم و علیهم السلام و یقتی از ابن عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام در بهشت باشند
 و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند و دو خلق بعضی در بهشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس
 و حمزه بن حذیب گفته جن داخل بهشت شوند برای جن جنیات باشند و برای انس انیات

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ خَالِقِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ
 وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 الْمُحْتَارِ قَبْلِهِ الْجَنَّةُ وَالنَّارُ
 عَلَى إِلَهِهِ وَخَلْقِهِ الْكَرِيمِ
 الْأَخْيَارِ

خاتمه الطبع پس از سپاس آفریننده تسبیح و مناجات و درخ جزا دهنده عباد و درود سید صل شافع کل مقلد
 محمد و برارن حاسیان از میان تشنه و درود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان کلاش از بالای
 بل چون برق گذران نموده می آید که چنانچه ذکره احوال موقی و میان شدایم مقرر باعث اتمام بر طاعت اعراس و غیره
 همچنین تذکره احوال اخوت معاد و امید و بیم ثواب عذاب یوم النشأ و علت گزاشتن موجبات وقوع در زمان طاعت
 اسباب خلل در جهان است نظر بوجه پیشین بیش ازین ساله سبکه تذکره الموقی و البجور طبع در آمد بطور
 جهان گردیده اکنون نظر بوجه پیشین بر حسب یقانی و عده سابقه که در خاتمه رساله موصوفه و مظلومه برای تکریر پیشین بود
 کتاب هدایت نصاب تذکره المحامد و از اخادات جناب علم الهدی علامه العزیز مولانا قاسمی محمد شمس الدین
 قدس سره به تصحیح تمامه کلام در ترجمه عبارات عربیه ثبت حواشی ضروریه با اهتمام امیر و دار افتخالی زیورستان
 محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان منقور در مطبع نظامی واقع کانپور بجا و جاد الاخر است
 برای طبع در کپشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراض فرمای گنجگاران از مصیبت گشت هرگاه اهل نظر
 چشم بصیرت برین شاهزادگان بکشایند وین دل را بدیدار کش نور و سرور و فرایند اجترار در وقت خاص بجا و آور
 حسن خاتمه بمنزله نسر ایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب مجلس سمره غنی تمام دارند و خصوصاً
 تفسیر نظهری که یکی است و یکی نیست خوابان طبعش میباید باشد فاما برای حصول این مامل دست نی در گذران
 توجه دلی را در حاکم فرمایند همانا افتخالی از روی اسباب طبعش را از زانی فرموده آن خسران و رنار از
 مطموره قلم بر منصفه کثرت بجلو گرمی نشاند و دیده آرد و مندان دیدارش را نور آگین و مسرت آگاه و اند
 آمین رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله و صحبه و از واجه جمعیه

وجه ختم بر خاتمه برای سندین می که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست محمد و دستخط مهمتم نموده شد



